



رابطه سیاسی جمهوری اسلامی ایران و هند؛ فرصت‌ها و چالش‌ها

سیدجواد احمدی^۱

حسن خداوردی^۲

گارینه کشیشیان سیرکی^۳

چکیده

روابط ایران و هند به‌عنوان دو کشور مهم آسیای غربی و جنوبی بعد از انقلاب اسلامی ایران دارای فراز و فرودهای بسیاری بوده است که عواملی همچون سیاست‌های داخلی هر دو کشور و تأثیرگذاری نظام بین‌الملل در این رابطه سینوسی نقش داشته است. در این پژوهش سعی می‌شود با استفاده آثار و منابع کتابخانه‌ای در دسترس به روش توصیفی-تبیینی، به دنبال پاسخ این سؤال باشد که چه فهمی کارگزاران سیاست خارجی ایران و هند از یکدیگر دارند؟ چه فرصت‌ها و چالش‌هایی برای این رابطه وجود دارد؟ نتایج حاصله نشانگر این است که پس از پیوستن ایران به جنبش عدم تعهد، امیدواری زیادی به بهبود روابط بین ایران و هند ایجاد شد که به دلایلی همچون حمایت ایران از موضع پاکستان در قضیه کشمیر و حمایت هند و بلوک شرق از عراق در جنگ تحمیلی علیه ایران محقق نشد؛ اما پس از پایان جنگ سرد و شیفت پارادایم سیاست خارجی هند از آرمان‌گرایی به واقع‌گرایی، تغییر در سیاست داخلی، به حاشیه رفتن حزب کنگره ملی، پیروزی حزب بهاراتیا جاناتا «BJP»، نزدیکی به غرب و حمایت از مواضع آمریکا، روابط به سردی گرائید. نتیجه اینکه ایران و هند فرصت‌هایی در هم‌گرایی منطقه‌ای، استراتژیک و دفاعی و مقابله با تروریسم و چالش‌هایی مانند تأثیر آمریکا، اسرائیل و سیاست‌های خاورمیانه‌ای هند و مهم‌تر از همه برنامه اتمی ایران دارند که می‌تواند در تغییر موازنه روابط مؤثر باشد. این پژوهش از منظر نظریه واقع‌گرایی^۲ به تحلیل این رابطه پرداخته است.

کلمات کلیدی

روابط سیاسی، دیپلماسی، مناسبات سیاسی امنیتی، واقع‌گرایی، سیاست خارجی، روابط بین‌الملل

۱- دانشجوی گروه علوم سیاسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. Ahmadisabat@gmail.com

۲- استادیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) hkhodaverdi@azad.ac.ir

۳- دانشیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. G_keshishyan@azad.ac.ir

بررسی روابط جمهوری اسلامی ایران و هند در چهار دهه اخیر تابع مؤلفه‌های مختلفی همچون سیاست داخلی دو کشور، نظام بین‌الملل و معادلات منطقه‌ای و جهانی است. هر دو کشور تلاشی را برای رسیدن به سطح روابط راهبردی در ابتدای قرن بیست و یکم آغاز کردند؛ اما منافع و هدف‌گذاری سیاسی دو کشور غالباً در موازات هم نبوده است، همان‌گونه که رای سال ۲۰۰۶ میلادی هند در شورای حکام سازمان بین‌المللی انرژی اتمی، پرونده ایران را به شورای امنیت فرستاد؛ که باعث حیرت کارگزاران سیاست خارجی ایران شد. لذا در این پژوهش دنبال پاسخ به این سؤال هستیم که چه فهمی کارگزاران سیاست خارجی ایران و هند از یکدیگر دارند؟ چه فرصت‌ها و چالش‌هایی در این رابطه وجود دارد؟ فرضیه پژوهش این است که برداشت کارگزاران سیاست خارجی دو کشور بر اساس منافع کوتاه‌مدت شکل گرفته اما سطح انتظار آن‌ها از یکدیگر بلندمدت است. پس از پیوستن ایران به جنبش عدم تعهد امید به بهبود مناسبات افزایش یافت؛ اما پس از پایان جنگ سرد و شیفت پارادایم سیاست خارجی هند از آرمانگرایی به واقع‌گرایی، تغییر در سیاست داخلی و به حاشیه رفتن حزب کنگره ملی و پیروزی حزب بهاراتیا جاناتا، نزدیکی به غرب و حمایت از مواضع آمریکا پس از رفع مناقشه اتمی هند، روابط به سردی گرائید. نتیجه اینکه ایران و هند فرصت‌هایی در همگرایی منطقه‌ای، استراتژیک و دفاعی، مقابله با تروریسم؛ و چالش‌هایی مانند تأثیر آمریکا، اسرائیل و سیاست‌های خاورمیانه‌ای هند و مهم‌تر از همه برنامه اتمی ایران دارند که می‌تواند در تغییر موازنه و بهبود مناسبات مؤثر باشد. هدف انجام این پژوهش بررسی روابط جمهوری اسلامی ایران و هند و تعیین چالش‌ها و فرصت‌های این رابطه می‌باشد. دو کشور ایران و هند در طول چهار دهه اخیر به دلیل داشتن هدف و استراتژی متفاوت در سیاست خارجی، هم‌چنین تأثیرگذاری عوامل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی؛ به‌جز دوره‌ای کوتاه نتوانستند سطح روابط سیاسی خود را به راهبردی ارتقاء دهند و کماکان این رابطه دچار فراز و فرودهای بسیار است. لذا ضروری است که استراتژیست‌های سیاست خارجی هر دو کشور به درکی واقع‌بینانه برسند تا بتوانند به ارتقاء سطح مناسبات کمک کنند.

پیشینه و روش پژوهش

بررسی پیشینه روابط ایران و هند طی چهار دهه اخیر نشان می‌دهد که مقالات و کتاب‌هایی در این زمینه موجود است، اما غالب این مقالات از دریچه روابط اقتصادی مخصوصاً اقتصاد انرژی و کریدورهای تجاری به این موضوع پرداخته‌اند.

رابطه سیاسی جمهوری اسلامی ایران و هند؛ فرصت‌ها و چالش‌ها/ احمدی، خداوردی و کشیشیان سیرکی

مقاله‌ای با عنوان ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و چشم‌انداز روابط ایران و هند در چابهار؛ به قلم دکتر امیرمحمد حاجی یوسفی و هادی نارویی (۱۴۰۰) که در شماره هفدهم فصلنامه ژئوپلیتیک منتشر شده معتقد است علی‌رغم داشتن منافع و هدف‌های مشترک ژئواکونومیکی، اما تضاد منافع ژئوپلیتیکی دلیل تأخیر در پروژه چابهار می‌باشد. به نظر می‌رسد که در این مقاله کمتر مناسبات سیاسی مورد تحلیل قرار گرفته است.

مقاله‌ای با عنوان روابط ایران و هند: فرصت‌ها و محدودیت‌ها؛ به قلم سید امیرنیا کوئی و سجاد بهرامی مقدم (۱۳۹۳) در شماره اول سال ششم فصلنامه روابط خارجی منتشر شده به بررسی روابط دو کشور پرداخته و معتقد است که هند اهدافی تجدیدنظرطلبانه محدود اما ایران اهدافی تجدیدنظرطلبانه نامحدود نسبت به نظام جهانی دارد، لذا ارتباط راهبردی فی‌مابین دو کشور شکل نخواهد گرفت. لازم به توضیح است که نگارندگان رابطه را از منظر چند علتی تحلیل کرده، اما مقاله حال حاضر فقط از منظر سیاسی به تحلیل رابطه بین ایران و هند می‌پردازد.

حسنعلی احمدی فشارکی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و هند: حوزه‌های تعامل و تقابل؛ که در شماره دوم فصلنامه مطالعات جهان منتشر شده به بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و هند پرداخته و ضمن بررسی عوامل تأثیرگذار بر شکل و محتوای تعاملات، راهبردهایی را جهت امنیت و منافع ملی ایران ارائه کرده است. لازم به توضیح است که مقاله فوق به دیدگاه نظری نویسندگان نزدیک بوده اما فقط از دریچه سیاست خارجی ایران به تحلیل موضوع پرداخته است. در صورتیکه مؤلفه‌های دیگری مانند تحولات داخلی، منطقه‌ای و جهانی در شکل‌گیری یک رابطه متوازن مؤثر هستند.

ام‌البین توحیدی (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان ظرفیت‌ها و محدودیت‌های روابط ایران و هند؛ در شماره ۴۷ فصلنامه راهبرد منتشر شده، از حوزه اقتصاد انرژی به بررسی روابط پرداخته و فرصت‌هایی همچون همکاری در زمینه انرژی و امنیتی دفاعی و چالش‌هایی همچون مناسبات استراتژیک هند و آمریکا و رابطه هند با اسرائیل را بیان کرده است. در صورتیکه در مقاله حاضر فقط روابط سیاسی مبنای تحلیل می‌باشد.

لذا با بررسی مجموعه مقالات به این نتیجه رهنمون می‌شویم که مقالات محدودی در روابط ایران و هند وجود دارد؛ اما بررسی رابطه سیاسی ایران و هند طی چهار دهه اخیر از منظر واقع‌گرائی یافت نشد، لذا در این زمینه پژوهش فوق بدیع به نظر می‌رسد. این پژوهش با کاربردی نظری واقع‌گرائی برای فهمی عمیق‌تر در روابط ایران و هند با روش توصیفی-تبیینی و مبتنی بر استدلال و تحلیل، با مطالعه

وگردآوری اطلاعات به شیوه استقرائی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی بر پایه داده‌های عینی و تاریخی صورت پذیرفته است.

چارچوب نظری

واقع‌گرائی از کهن‌ترین نظریه‌ها در سیاست بین‌الملل است که طی سده بیستم به‌عنوان نظریه‌ای غالب بر نظام بین‌الملل حاکم شده است. واقع‌گرائی هسته سخت خود را بر قدرت و منافع ملی متمرکز کرده و ضمن تأکید بر جدائی سیاست و اخلاق از یکدیگر موجب شتاب توان نظامی و مشروعیت بخشیدن به جاه‌طلبی قدرت‌های بزرگ گشته است (محمد زاده ابراهیمی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۲۷). مورگنتا شش مؤلفه اصلی را به‌عنوان اصول واقع‌گرائی معرفی می‌کند.

(۱) در سیاست قواعدی عینی وجود دارد که مبنای آن ذات بشر است.

(۲) یکی از مؤلفه‌های کلیدی برای فهم سیاست بین‌الملل منافع است که بر مبنای قدرت تعریف می‌شود.

(۳) منافع مؤلفه‌ای ثابت است اما ماهیت قدرت و شکل دولت‌ها ممکن است در طی زمان دچار تغییر شود.

(۴) کنش دولت‌ها برگرفته از مبانی اخلاقی نیست اما ممکن است که این کنش اثر اخلاقی از خود بر جای گذارد.

(۵) مناسبات میان دولت‌ها شامل مجموعه قواعد اخلاقی عام نیست.

(۶) بر مبنای قواعد نظری، سیاست از دیگر حوزه‌ها متفاوت است (باقری دولت‌آبادی و حنائی، ۱۳۹۸: ۶).

تصویری که واقع‌گرایان از نظام بین‌الملل نشان می‌دهند شامل مجموعه دولت‌هایی است که در پی بیشینه کردن منافع خود هستند که این باعث ایجاد محیطی آنارشیک می‌شود که احتمال وقوع جنگ و نابودی را بیشتر می‌کند. پس واقع‌گرایان اعتقاد دارند که الگوی بنیادین هرچ‌ومرج در ساختار نظام بین‌الملل نهادینه شده و نمی‌توان آن را به‌آسانی تغییر داد. لذا بر این باورند که نظم و امنیت طی فرایند توزیع قدرت و ایجاد توازن شکل می‌گیرد (سیمبر و قربانی شیخ‌نشین، ۱۳۹۰: ۱۰۶). به همین دلیل نحله‌های مختلف واقع‌گرائی بر چند مؤلفه اصلی تأکید دارند: ۱- بازیگران اصلی در نظام بین‌الملل دولت‌ها هستند. ۲- نظم سیاسی بین‌المللی دچار آنارشی است. ۳- مبنای عمل دولت‌ها در نظام بین‌الملل منافع آن‌ها است. ۴- قدرت مبنای تضمین بقای دولت‌ها است، به همین دلیل دولت‌ها در پی قدرت هستند (Donnelly, 2000: 6-8).

کنت والت^۳ یکی از نظریه‌پردازان واقع‌گرائی معتقد است دولت‌ها نه تنها در مقابل تهدیدات از سوی دیگر دولت‌ها، بلکه بر مبنای ذهنیت خودشان از توانمندی سایرین و فهم خود از موضوع تهدید، اقداماتی را جهت ایجاد موازنه تدارک می‌بینند. لذا والت معتقد است که موازنه‌ای که ایجاد شده موازنه

رابطه سیاسی جمهوری اسلامی ایران و هند؛ فرصت‌ها و چالش‌ها/ احمدی، خداوردی و کشیشیان سیرکی

تهدید، آن‌هم از نوع ادراکی است نه تهدیدی واقعی. به همین دلیل هر دو طرف تلاش می‌کنند که از ظرفیت‌های موجود به‌عنوان ابزارهای تأثیرگذاری استفاده کرده و طرف مقابل را دچار خطای محاسباتی کنند که قدرت ایجاد یک تهدید واقعی امنیتی، اقتصادی، جغرافیایی و نظامی را دارند (Yavuz & Ozcan, 2016: 112-113؛ دهش و شوهانی، ۱۴۰۲: ۱۰۸). پس آن چیزی که در روابط میان دولت‌ها دارای اهمیت است فهم آن‌ها از یکدیگر به‌عنوان یک تهدید است نه میزان قدرت آن‌ها؛ به همین دلیل دولت‌ها در برابر دولت‌هایی اقدام به موازنه می‌کنند که آن را تهدیدی عینی برای موجودیت و کیان خود احساس کنند. در چنین شرایطی مجموعه‌ای از اقدامات، همکاری‌های دو یا چندجانبه و ایجاد ائتلاف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی می‌تواند راهکار برون‌رفت از این تهدیدات باشد؛ اما بحث بعدی فهم و برداشت دولت‌ها از مقوله امنیت است. در نظام بین‌الملل هر دولتی برای افزایش توان نظامی و همچنین تفوق بر گروه‌های داخلی و قومی خود از تمام ابزارها استفاده می‌کند و دلیل آن را اقداماتی دفاعی و پیشگیرانه می‌داند؛ اما دولت‌های هم‌سایه و هم‌مرز برداشت دیگری از این مجموعه اقدامات دارند؛ زیرا توسعه قدرت نظامی و تسلط بر گروه‌های قومی همراه با سرکوب علی‌الخصوص اگر در مناطق مرزی و یا بر گروه‌هایی که وابستگی‌های مشترک قومیتی و فرهنگی دارند، نوعی تهدید برای دیگران محسوب می‌شود و ممکن است گاه باعث عکس‌العمل و یا تنش‌هایی شود که برای سال‌ها مدیریت شده‌اند. در چنین شرایطی بر مبنای نظریه واقع‌گرایی مناسب‌ترین وضعیت این است که دولت‌ها بازتعریفی از مسئله امنیت با رویکرد توسعه مناسبات و کاربردست ظرفیت‌های اقتصادی و فرهنگی بپردازند و تلاش کنند که مناسبات طرفینی بین‌المللی و منطقه‌ای را از نو بازتعریف کنند (دهش و شوهانی، ۱۴۰۲: ۱۰۹؛ Kaya, 2020: 109).

تحلیل سیاست خارجی

هنگامی که در حوزه مطالعات بین‌المللی به بررسی سیاست خارجی می‌پردازیم به این نکته باید توجه کنیم که سیاست خارجی شامل مجموعه فعالیت‌ها و اقدامات یک دولت در قبال محیط بین‌المللی و کنش و واکنشی در همه اشکال دولتی و غیردولتی بروز و ظهور پیدا می‌کند (هالستی، ۱۳۹۹: ۳۲؛ باربر، ۱۳۸۱: ۱۵؛ آشنا و جعفری هفت‌خوانی، ۱۳۸۶: ۱۹۱).

پیشینه روابط

روابط دوجانبه ایران و هند به دلیل اشتراکات فرهنگی و تمدنی، روابطی تاریخی بوده و همواره از پیچیدگی‌های خاصی برخوردار بوده و امروزه نیز به سبب نقش کشورهای ثالث پیچیده‌تر گشته است. روابط اقتصادی و فرهنگی به علت تمدن باستانی هر دو کشور به هزاران سال قبل برمی‌گردد. این روابط

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۹، شماره ۶۳، تابستان ۱۴۰۲

تا ورود استعمار به منطقه آسیا و استعمار منابع هند ادامه داشت، اما حضور انگلیس این روابط را کاهش داد و بعد از استقلال هند، ارتباط دو کشور احیاء شد (امساک، ۱۳۹۳: ۶۷۹-۷۰۴). روابط ایران و هند پس از استقلال در ۱۹۴۷ میلادی سریعاً ایجاد نشد. نخستین مرتبه ایران و هند در نشست کشورهای آسیائی-آفریقائی در دهلی نو به صورت رسمی دیدار کردند؛ پس از آن در سال ۱۹۵۰ میلادی روابط دیپلماتیک بین دو کشور آغاز شد. طی جنگ سرد به دلیل تمایل هند به بلوک شرق، ایران نیز تمایل چندانی به توسعه مناسبات به دلیل ترس از گسترش کمونیسم در ایران و حمایت از پاکستان به دلیل همسایگی و مسلمان بودن خود نشان نمی داد. پیوستن ایران به پیمان بغداد که نهایتاً به سنتو تغییر نام داد باعث دلخوری شدید هند گردید. بالا رفتن سطح مناسبات ایران و پاکستان و حمایت بی چون و چرای ایران از پاکستان در جنگ با هند و بودن ایران و پاکستان در بلوک غرب در مقابل هند که سمپات بلوک شرق بود از دلایل عدم شکل گیری مناسبات پایدار بود. البته سفرهای گاندى در ۱۹۷۴ میلادی و موراجایی وسایی ۱۹۷۷ میلادی از ایران و دیدار ۱۹۷۸ میلادی شاه از دهلی نو کمی به بهبود مناسبات کمک کرد.

سیاست خارجی ایران در قبال هند

هنگامی که به تحلیل روابط ایران و هند می پردازیم، درمی یابیم که عوامل متعددی در فراز و فرود رابطه این دو کشور تأثیرگذار بوده است. یکی از مهم ترین مؤلفه های متأثر در این رابطه حضور بازیگران منطقه ای و بین المللی است که می توان نقش آفرینی آمریکا و اسرائیل در تصمیمات سیاست گذاران خارجی هند و تحت تأثیر قرار دادن رابطه هند و ایران را مشاهده کرد. از دیگر سو مؤلفه های اقتصاد و انرژی، امنیتی و فرهنگی نقش پررنگی در رابطه هند و ایران دارند که نمود آن را در سال ۲۰۰۱ میلادی «اعلامیه تهران» و ۲۰۰۳ میلادی «اعلامیه دهلی نو» مشاهده کرد (توحیدی، ۱۳۸۷: ۱۵۵).

نگاه جمهوری اسلامی ایران به هند به عنوان یکی از بنیان گذاران جنبش عدم تعهد، همان نگاه کلاسیک است. ایران توقع دارد که هند در راستای سیاست خارجی گذشته خود «پهروئسیم»، سیاست عدم موازنه ای که منتج به عدم تعهد شد و صلح گرائی را کماکان به عنوان یک سیاست استراتژیک، در سپهر سیاست خارجی خود اعمال کند و کماکان منتقد نظام بین الملل باشد. هند در دوران جنگ سرد علاوه بر توافقات دوجانبه با شوروی کم و بیش سیاست خارجی مستقلانه و عدم تعهد خود را در برابر کشورهای غربی حفظ کرده بود که این رویه ای مناسبت از نظر ایران بود؛ اما پس از فروپاشی بلوک شرق حدود یک دهه زمان برد تا دستگاه سیاست خارجی هند استراتژی جدید خود را به جهان عرضه کند. بعد از به قدرت رسیدن حزب بهاراتیا جاناتا «BJP» و اتخاذ سیاست های نتولیبیرالیستی هند در

رابطه سیاسی جمهوری اسلامی ایران و هند؛ فرصت‌ها و چالش‌ها/ احمدی، خداوردی و کشیشیان سیرکی

پی توافق موضوع هسته‌ای خود با آمریکا، در چرخشی سریع از سیاست خارجی نهرئوئیستی خود دور و به واقع‌گرایی و مصلحت‌اندیشی در نظام بین‌الملل تک‌قطبی به رهبری آمریکا تن داد. ایران و هند بعد از اعلامیه سال ۲۰۰۳ میلادی همدیگر را شریک استراتژیک خطاب کردند. پس از آن بود که مانورهای نظامی مشترک آغاز شد و ناوگان نظامی هند در آب‌های جنوبی ایران « بندرعباس » پهلو گرفتند (احمدی فشارکی، ۱۳۹۰: ۱۵۹-۱۶۴).

سیاست خارجی هند در قبال ایران

برای هندوستان به‌صرفه نبود تا بعد از جنگ جهانی دوم وارد یکی از دو جناح رقیب در مناسبات بین‌المللی گردد. لذا به‌جای استفاده از تاکتیک‌های حيله‌گرانه سیاست در مناسبات بین‌المللی، قادر شد تا از طریق استفاده از ارزش‌های اخلاقی جایگاه خود را در میان کشورهای قدرتمند دنیا در گیرودار جنگ سرد تثبیت کند. در واقع جواهر لعل نهرو با اتخاذ سیاست اخلاق مدار و نیز نگرش واقع‌بینانه به چگونگی موازنه قدرت، تلاش کرد تا راه میانه را در پیش گیرد و هند را در مسیر تبدیل شدن به یک ابرقدرت قرار دهد (کسینجر، ۱۳۹۵: ۱۶۸). سیاست خارجی هند از زمان استقلال در ۱۹۴۷ میلادی تا ۲۰۲۲ میلادی را می‌توان به سه دوره تقسیم کرد؛ دوره اول که از ۱۹۴۷ میلادی تا ۱۹۶۲ میلادی که سیاست خارجی هند آرمان‌گرایانه و تحت تأثیر تفکرات صلح‌جویانه نهرو «نهرئوئیسم» بود. در این دوره هند در برابر استعمار (اندونزی توسط هلند) و یا تبعیض نژادی واکنش نشان می‌داد و از جنبش‌های استقلال‌طلبانه در کشورهای جهان سوم حمایت می‌کرد و پایه‌گذار جنبش عدم تعهد شد؛ ایران نیز به دلیل اینکه در معادلات نظام دو قطبی، سمپات بلوک غرب و آمریکا بود جایی در سیاست خارجی هند نداشت. دوره دوم از ۱۹۶۲ میلادی تا ۱۹۹۱ میلادی که هند به سیاست خارجی عدم تعهد خود صورتی واقع‌گرایانه داد. در این دوره هند در جنگ ۱۹۶۲ میلادی از چین شکست خورد، در ۱۹۶۳ میلادی توافق مرزی بین چین و پاکستان اتفاق افتاد، در ۱۹۶۴ میلادی چین آزمایش‌های هسته‌ای انجام داد و در ۱۹۶۵ میلادی جنگ بین هند و پاکستان واقع شد. همه این موارد باعث شد که هند در سیاست خارجی خود یک شیفت پارادایم از آرمان‌گرایی به واقع‌گرایی انجام دهد که مصداق آن، تلاش در جهت تجزیه پاکستان و جدائی پاکستان غربی و ایجاد کشور مستقل بنگلادش در ۱۹۷۱ میلادی، آزمایش هسته‌ای هند در ۱۹۷۴ میلادی، عدم پیوستن به معاهده « NPT » و امضاء معاهده هند و شوروی که به تغییر رویکرد به چپ در سیاست خارجی هند تعبیر می‌شود. در طی این دوره به دلیل حمایت بی‌قید و شرط ایران از پاکستان در جنگ با هند، روابط ایران و هند تیره بود؛ هرچند که پس از رابطه ایران با

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۹، شماره ۶۳، تابستان ۱۴۰۲

شوروی، روابط نسبی ایران با هند برقرار شد که دیدار شاه در ۱۹۷۴ میلادی از دهلی امید به بهبود روابط می داد.

پس از انقلاب ۱۹۷۹ میلادی در ایران و انتخاب موازنه منفی در سیاست خارجی و پیوستن به جنبش عدم تعهد، سیاست خارجی هند رویکرد خود را نسبت به ایران تغییر نداد و در جریان جنگ عراق علیه ایران به حمایت از عراق پرداخت. دوره سوم سیاست خارجی هند که از ۱۹۹۱ میلادی آغاز می شود و تاکنون ادامه دارد، به مصلحت‌گرایی تعبیر می شود. پس از فروپاشی بلوک شرق بین سال‌های ۱۹۹۱ میلادی تا ۲۰۰۱ میلادی هند تحت تأثیر تحولات نظام بین‌الملل، تفکر نئولیبرالیسم بر سیاست خارجی هند حاکم شد؛ لذا هند با استفاده از رویکرد درهای باز سعی کرد تنش‌ها سیاسی خود را با همسایگان به حداقل برساند و برای رسیدن به این همگرایی، رویکرد اقتصادی را مناسب یافت (احمدی فشارکی، ۱۳۹۰: ۱۵۹-۱۶۴). هند در این دوره سیاست خارجی فعال‌تری را در قبال ایران دنبال کرد و دیدارهایی در سطح رؤسای جمهور بین دو کشور انجام شد که بیانیه ۲۰۰۱ میلادی تهران و ۲۰۰۳ میلادی دهلی که ایران را شریک استراتژیک خواند، نمود این روابط است.

مبنای سیاست خارجی ایران

سیاست خارجی ایران در قالب نظریه‌های مختلفی تحلیل و تفسیر شده است از آنجایی که سیاست خارجی ذیل سیاست داخلی است؛ در جمهوری اسلامی ایران اسلام به عنوان دال مرکزی و هویتی آن تعیین شده است، باید هویت اسلامی را تعیین‌کننده هنجارهای این کشور در سیاست خارجی دانست. بر این اساس به دلیل توجه کمتر به حوزه ایران باستان، برخی دیگر مؤلفه‌ها مورد بی‌توجهی قرار گرفته اما حذف نشده اما در تعریف هویت ملی آنچه به چشم می‌آید، هویت اسلامی است (رسولی ثانی آباد، ۱۳۹۱: ۱۷۷-۲۰۰). پس از انقلاب اسلامی، تصمیم‌سازان سیاست خارجی ایران استراتژی عدم تعهد را به عنوان محوری سیاست خارجی خود برگزیدند (محمدی، ۱۳۷۷: ۱۰۴-۱۱۰). تحلیل انقلاب ایران نشان می‌دهد انقلاب ایران اساساً در تعارض با نظام بین‌المللی رخ داده و ارزش‌ها و هنجارهایی را مطرح کرده که با منافع وضع موجود در تضاد بوده‌اند. استقلال، آزادی، حق‌طلبی و مبارزه با زورگویی و انحصارطلبی، ارزش‌هایی بودند که در نظام بین‌المللی جنبه هنجاری پیدا کردند (رسولی ثانی آباد، ۱۳۹۱: ۱۷۷-۲۰۰). عاملی که مبنای سیاست‌گذاری خارجی ایران محسوب شده و نقشی بی‌بدیل در حوزه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دارد، راهبرد نه شرقی نه غربی است که نمود عینی آن را می‌توان در عضویت ایران در جنبش عدم تعهد یافت که این نیز وام گرفته از هویت اسلام در ساختار سیاسی ایران است (ستوده آرانی، ۱۳۸۱: ۱۱).

مبنای سیاست خارجی هند

اندیشهٔ سیاست خارجی برای هند نیز ترکیبی از توازن قوا و آرمان‌گرایی بود. هند که از چنگال قدرت استعماری رها شده است، همچنان در فرایند استحکام کشوری نو پا است. هند در سال ۱۹۴۷ میلادی استقلال خود را به دست آورد، در این دوره سیاست جهانی به شدت تحت تأثیر کشمکش‌ها و مجادلات قدرت بود (کوئاری و خان، ۱۳۹۹: ۵۴). به همین دلیل هند که تجربه استعمار و عدم توسعه را داشت سیاست موازنه منفی و رویکرد عدم تعهد را برگزید؛ اما سیاست خارجی هند تحت تأثیر سیاست‌های داخلی «سیاست آرمان‌گرایی نهروئیسم و تغییر به واقع‌گرایی و مصلحت‌گرایی»، سیاست‌های بعضاً خصمانهٔ منطقه‌ای و سیاست‌های نظام جهانی آن‌ها را به تغییر رویکرد واداشت. رویکرد سیاست خارجی هند نسبت به جهان طی دو دههٔ گذشته دچار تغییراتی بنیادین شده است. این تغییر نگاه و اولویت امر اقتصادی در سیاست خارجی باعث نزدیکی هند به قدرت‌های بزرگ و حتی رقبای منطقه‌ای شده است.

تغییر دیگری که در سیاست خارجی هند اتفاق افتاد، دوری گزیدن از ایدهٔ رهبری جهان سوم و رسیدن به درک اینکه به‌عنوان یک قدرت در جهان ظاهر شود؛ چون اندیشهٔ ضد غربی به حاشیه رفته، لذا بزرگ‌ترین دموکراسی متعهد به جهان یورو و آتلانتیک را تشکیل داد. از حرکات و رفتار در سیاست خارجی هند مشخص می‌شود که هویت خود را به‌عنوان کشوری در مسیر توسعه و تبدیل شدن به قدرتی جهانی توسعه بخشیده و از این راه سعی نموده ارتباط خود با کشورهای غربی را بهبود بخشد. دیگر آنکه این کشورها در مسیر توسعه بر علیه هند سنگ‌اندازی نکنند و اقدامات ویرانگر آن‌ها در مسیر توسعه کشور هند اثری نداشته باشد و از امکانات و قابلیت‌های گسترده این قدرت در بخشی از مسیر گفتگویی آن بهره می‌گیرد. از این رو رعایت بایسته‌های سیاست خارجی توسط هند را باید در راستای دیدگاه آمریکا در قبال ایران تفسیر کرد (توحیدی، ۱۳۷۸: ۱۵۵-۱۷۴). اشتباه نیست که بگوئیم روابط هند و آمریکا امروزه بخش بسیار مهم سیاست خارجی هند را تشکیل می‌دهد و این امر به‌رغم فشارهای ناشی از نظام بین‌الملل تک‌قطبی، مسیر سیاست خارجی هند را ترسیم می‌کند (کوئاری و خان، ۱۳۹۹: ۴۵).

فرصت‌های روابط ایران و هند:

همکاری در مقابله با تروریسم

کشورها همواره امنیت خود را با موافقتنامه‌ها و هماهنگی کشورهای دیگر تضمین می‌نمایند. ایران و هند به لحاظ جغرافیائی در همسایگی منطقهٔ خطرناکی قرار دارند. تهدید از سوی سنی‌های افراطی

پاکستان سبب ایجاد فضای همکاری بین دو کشور گردیده است. در اوائل دهه ۹۰ میلادی با ظهور طالبان در افغانستان موج ترس و وحشت در هر دو کشور پدید آمد. ایران و هند با جمعیت عظیم مسلمانان شیعه به شدت از افراط‌گرایان وهابی سنی همسایه خود واهمه دارند. هند به‌ویژه از ایدئولوژی جهادگرایان طالبان و توانائی آنان برای ایجاد درگیری در کشمیر و سایر نقاط کشور به شدت نگران است. بر خلاف پاکستان که فوری طالبان را به رسمیت شناخت، هند و ایران از اتحاد شمال افغانستان که بر ضد طالبان می‌جنگید حمایت کردند (گود و موخرجی، ۱۳۹۶: ۵۳-۵۴). هند و ایران در مورد سیاست مذاکره آمریکا با طالبان به شدت تردید داشتند. خط‌مشی ورود طالبان در دولت افغانستان باعث توان مضاعف نیروی اسلام‌آباد در کابل می‌گردید و این به‌هیچ‌وجه مورد پسند ایران و هند نیست. هر دو کشور ایران و هند در بررسی آمریکا برای استقرار یک دولت افراطی افغانی کنار گذاشته‌شده بودند، لذا هر دو کشور برای تشدید و افزایش همکاری، با سایر دولت‌های منطقه مانند روسیه و جمهوری‌های آسیای مرکزی برای ثبات افغانستان به شدت تلاش می‌کنند (گود و موخرجی، ۱۳۹۶: ۵۵). به همین دلیل ایران و هند برای تضمین امنیت در منطقه، خصوصاً آسیای مرکزی نیازمند همکاری و مساعدت یکدیگر هستند.

همکاری‌های استراتژیک و دفاعی

همکاری دو کشور ایران و هند در زمینه‌های دفاعی و امنیتی دارای ساختاری دوجانبه است. ورود آمریکا و چین در آسیای میانه که حیاط خلوت روسیه به شمار می‌آید و به خصوص حضور همه آن‌ها در همسایگی ایران و هند، مسائل تازه‌ای پدید آورده که در مجموع سبب به هم خوردن توازن و امنیت در منطقه شده است. یکی از اقدامات مهم و کلیدی هند در بیانیه دهلی‌نو، ایجاد چارچوب همکاری استراتژیک است که باعث تعمیق هرچه بیشتر صلح و امنیت پایدار بین دو کشور می‌شود (گود و موخرجی، ۱۳۹۶: ۵۵). پس از خروج نیروهای ائتلاف و آمریکایی در ۱۵ اوت ۲۰۲۱ میلادی از افغانستان، نگرانی هند حضور بسیار پررنگ پاکستان در معادلات افغانستان پس از جمهوری بود. وابستگی شدید طالبان به پاکستان و ظهور و بروز داعش نگرانی‌های امنیتی بسیاری برای ایران، هند و کشورهای آسیای مرکزی «پیمان امنیت جمعی» به وجود آورد. به همین دلیل هند در اقدامی پیش‌دستانه سعی به نقش‌آفرینی در افغانستان پس از جمهوری داشت و برگزاری کنفرانس‌های منطقه‌ای در تاجیکستان و دهلی با همسایگان افغانستان، موید این ادعا است؛ اما مسئله مهم برای هند حضور جمعیت محدودی از سیک‌ها در کابل بود که حمله به معبد سیک‌های کابل و کشتار تعدادی از آن‌ها، هند را مجبور به تخلیه آن‌ها از افغانستان، با تمام وابستگی‌ها کرد. حضور چین به‌عنوان رقیب منطقه‌ای، پاکستان به‌عنوان دگر بیرونی، حضور نیروهای آمریکایی در خلیج فارس، طالبان در افغانستان و حضور گروه‌های تروریستی

رابطه سیاسی جمهوری اسلامی ایران و هند؛ فرصت‌ها و چالش‌ها/ احمدی، خداوردی و کشیشیان سیرکی

گوناگون در منطقه، هند را مجاب می‌کند که برای افزایش عمق استراتژیک خود اقدام کند؛ به همین دلیل به‌عنوان بخشی از روابط امنیتی خود اولین پایگاه هوایی خارج از مرزهای هند را در «پایگاه فارخور» تاجیکستان مستقر کرده است. ایفاء نقش هند در چابهار موجب دل‌مشغولی پاکستان شده است چون پاکستان مایل به نقش‌آفرینی هند در افغانستان و مرزهای غربی خود نیست و از دیگر سو معتقد است استراتژی هند برای انزوای پاکستان و نظارت بر بندر گوادر از طریق چابهار است (حاجی یوسفی و نارویی، ۱۴۰۰: ۸۰، ۸۹؛ Ahmed and Akbarzadeh, 2018: 89). از طرفی هند برای افزایش نفوذ خود در خاورمیانه پیمان‌همکاری دفاعی با قطر امضاء کرد؛ هند در این توافقنامه حفظ منافع و دارائی‌های قطر را از تهدیدهای خارجی به عهده گرفته است. هند هم‌زمان همکاری‌های دفاعی با عمان را آغاز کرده و مانورهای متعددی با نیروی دریایی عمان برگزار کرده است که این توافقنامه‌ها باعث کنترل هند بر دو سوی تنگه هرمز و سواحل مکران می‌شود و می‌تواند امنیت کریدورهای نفتی و تجاری را برای هند تأمین کند که مهم‌ترین مؤلفه امنیت ساز برای هند است.

همکاری در همگرایی منطقه‌ای

آسیای مرکزی یکی از حوزه‌های تقارن و تفاهم سیاسی ایران و هند است. افغانستان به‌عنوان بخشی از آسیای مرکزی پس از خروج نیروهای غربی، اکنون دارای چالش‌های اساسی است و ایران در دسترسی هند به افغانستان نقشی بی‌بدیل دارد. از طرفی هند خواهان دسترسی به کشورهای آسیای میانه و نقش‌آفرینی سیاسی و اقتصادی در آن‌جا است، ایران نیز تنها و مطمئن‌ترین مسیر در حال حاضر است. پس از خروج نیروهای ائتلاف از افغانستان و تسلط مجدد طالبان یکی از مشکلات بزرگ هند رویارویی با فعالیت‌های مبارزان کشمیر آزاد در جامو و کشمیر است. به همین دلیل وجود یک افغانستان آرام و با ثبات برای هند بسیار حیاتی و مهم است. رویکرد جدید دولت هند در همکاری محدود با طالبان در همین زمینه ارزیابی می‌شود.

چالش‌های روابط ایران و هند

فشارهای ایالات متحده

هند و آمریکا تا پایان جنگ سرد به دلیل قرار گرفتن هند در بلوک شرق و داشتن توافقنامه با شوروی و خریدهای سنگین تسلیحاتی از شوروی و بلوک شرق دوستانه نبود. هند با پیش گرفتن سیاست خارجی آرمان‌گرایانه نهرئویستی و حمایت از کشورهای جنوب (جهان سوم) و بنیان‌گذاری جنبش عدم تعهد، تمایلی به همکاری با آمریکا از خود نشان نمی‌داد. هند پس از فروپاشی بلوک شرق

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۹، شماره ۶۳، تابستان ۱۴۰۲

در ۱۹۹۱ میلادی و تغییر در نظام بین‌الملل، سیاست خارجی خود را بازتعریف کرد و تن به نظام تک قطبی به ابر قدرتی آمریکا داد (Hafeez, 2019: 28). عوامل دیگری همچون رشد سریع چین، ظهور بازیگران غیردولتی مانند اسلام‌گرایان افراطی، اتخاذ سیاست‌های نئولیبرالیستی و نیاز به توسعه اقتصادی، هند را به سمت بهبود مناسبات با آمریکا سوق داد. البته سیاست خارجی چندجانبه‌گرایانه آمریکا در دوره کلینتون و تمایل آمریکا به تقویت نهادهای بین‌المللی، هند را از یک بازیگر معترض به ساختار نظام بین‌الملل، به یک بازیگر عمده و تاثیرگذار در منطقه و جهان تبدیل کرد. در سال ۱۹۹۸ میلادی هند اقدام به چند انفجار هسته‌ای کرد و خود را یک کشور دارای سلاح هسته‌ای اعلام نمود. آمریکا سریعاً عکس‌العمل نشان داد و اظهار داشت که هند خود را در مقابل جامعه جهانی قرار داده است. پس دولت کلینتون تحریم‌هایی را مطابق اصلاحیه گلن علیه هند وضع نمود (کوئاری و خان، ۱۳۹۹: ۱۰۰).

ایالات متحده آمریکا جهت پیشبرد سیاست خارجی خود بخصوص از سال ۲۰۲۰ میلادی به بعد نیاز به مهار چین و ادامه مسیر نبرد با تروریسم دارد. لذا در این رقابت میان چین و آمریکا در آسیا-پاسفیک، هند نقشی اساسی و تعیین‌کننده دارد. از طرفی هند به دلیل اتخاذ سیاست‌های نئولیبرالیسم بعد از ۲۰۰۱ میلادی، پیشبرد برنامه هسته‌ای خود، رقابت با چین و پاکستان، نیاز بیشتری به حمایت‌های ایالات متحده دارد. به همین دلیل هند از یک کشور با سیاست خارجی به ظاهر مستقل و عدم تعهد؛ به سمت پیروی از سیاست‌های آمریکا و غرب رهنمون شد و تا حدی پیش رفت که به درخواست آمریکا در مورد پرونده هسته‌ای ایران رای مثبت داد و روابط خود را با ایران محدود کرد. سیاست خارجی هند نسبت به ایران نشان داد که هند تحکم آمریکا در خصوص مخالفت با ایران در برنامه هسته‌ای را پذیرفته است. هند درگیر مخمصه‌ای شده تا توازن ظریف و دقیق روابط را حفظ نماید؛ زیرا یک موضع‌گیری مثبت و خوب این کشور را با کشورهای مخالف ایران همچون آمریکا و اسرائیل در خطر قرار دهد (گود و موخرجی، ۱۳۹۶: ۱۶۳-۱۶۴). جالب این‌که کنگره آمریکا از هند خواست که اگر هند مخالفت خود را با برنامه هسته‌ای ایران اعلام نکند این توافق به مخاطره خواهد افتاد.

رابطه هند و اسرائیل

روابط هند و اسرائیل از سال ۱۹۵۰ میلادی و با شناسایی اسرائیل توسط هند آغاز شد، اما روابط سیاسی برقرار نشد. از طرفی به دلیل جنگ‌های اعراب و اسرائیل و جمعیت قابل توجه مسلمانان هند، مانع از گسترش روابط می‌شد. از طرفی درخواست مسلمانان هند حمایت از مردم فلسطین بود (ثقفی عامری، ۱۳۸۷: ۵). هدف دهلی‌نو از بهبود روابط با اسرائیل بیشتر همکاری‌های امنیتی-سیاسی است.

رابطه سیاسی جمهوری اسلامی ایران و هند؛ فرصت‌ها و چالش‌ها/ احمدی، خداوردی و کشیشیان سیرکی

چون نگرانی اصلی هند مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی اسلامی است زیرا نگران تهدیدهای پاکستان در موضوع کشمیر است و این مناسبات باعث تقویت موضع هند خواهد شد (Katz, 2013:396). اسرائیل و ایران از دهه ۹۰ میلادی، هر دو برای هند اهمیت پیدا کردند؛ یکی به منظور امنیت در زمینه انرژی و دیگری به منظور دستیابی به امنیت در زمینه ملی. هند به‌عنوان یک کشور مردم‌نهاد تلاش دارد تا با همه قدرت‌های منطقه ارتباط سیاسی داشته باشد و به سود خود بهره‌برد. نیروها و احزابی در هند هستند که علاقه به روابط با اسرائیل دارند. البته باید گفت که همکاری با اسرائیل در تأمین امنیت هند بسیار حیاتی است و هند در تلاش است تا روابط خود با اسرائیل را در مقابل ایران متعادل سازد ((Rajiv, 2012: 128-144). آنچه نگرانی از روابط هند و اسرائیل را برای ایران دو چندان می‌کند ورود بازیگری به نام ایالات متحده آمریکا به این جمع است که موجب برهم خوردن توازن قوا در منطقه و دوری دهلی‌نو از تهران می‌شود. ورود آمریکا به مشارکت استراتژیک هندوستان و اسرائیل موازنه جدیدی از قدرت در منطقه به وجود می‌آورد. (فرزین‌نیا، ۱۳۸۸: ۶۲).

روابط هند و اسرائیل مخصوصاً در حوزه‌های امنیتی - سیاسی برای ایران نگران‌کننده است، چون این روابط در یک بازی گسترده‌تر با حضور آمریکا که بخشی از استراتژی ضد ایرانی خود را از طریق دهلی‌نو پیگیری می‌کند مایه نگرانی بیشتر برای ایران است (ثقفی عامری، ۱۳۸۳: ۸۸). هدف مهم اسرائیل از توسعه روابط با هند، افزایش فشار بر ایران و کشورهای عربی است. هند در سال ۲۰۰۷ میلادی در راستای افزایش پیوندهای نظامی و امنیتی، یک ماهواره اسرائیلی را به فضا پرتاب کرد که این ماهواره می‌تواند کاربرد و اهداف جاسوسی از ایران را نیز داشته باشد (نیاکوئی و بهرامی مقدم، ۱۳۹۳: ۱۴۸). اتهام زنی اسرائیل و ایران نسبت به یکدیگر، هند را در عدم جانبداری از یکی از طرفین در تنگنا قرار داده است و نمود این مسئله در حمله به دیپلمات اسرائیلی در فوریه ۲۰۱۲ مشهود بود؛ اسرائیل ایران را مقصر می‌دانست و ایران هم نسبت حمله به خود را تکذیب کرد (گود و موخرچی، ۱۳۹۶: ۱۳۶). تجدیدنظر در سیاست خاورمیانه‌ای هندوستان که قبلاً بر حمایت از اعراب و فلسطینی‌ها استوار بود اکنون به سمت تقویت مناسبات استراتژیک با اسرائیل سوق پیدا کرده است. روزنامه اسرائیلی «جروزالم پست» علت واقعی تأخیر در پرتاب ماهواره جاسوسی اسرائیل از سوی هندوستان را فشارهای ایران، احزاب اسلامی و احزاب چپ هندوستان ذکر کرده و متذکر شده است که تهران دهلی‌نو را از عواقب و ابعاد این نوع همکاری بر حذر داشته است (کتابی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۱).

مناسبات خاورمیانه‌ای هند

سفر پادشاه عربستان به هند در ۲۶ ژانویه ۲۰۰۹ میلادی، بازتابی از روابط هند و عربستان بود.

روابطی که پس از پنجاه سال تعامل محدود؛ به سمت دادن جهتی جدید و پر جنب‌وجوش در روابط دوجانبه حرکت خواهد کرد که این خبر خوبی برای ایران نخواهد بود ((Rahman, 2010: 35) مناقشات هسته‌ای ایران موجب نزدیک‌تر شدن هند و عربستان به یکدیگر شده است. هند باهدف ایجاد فرصت‌های بزرگ سرمایه‌گذاری، خصوصاً در بخش‌های زیرساختی به کشورهای شورای همکاری خلیج فارس نگاه می‌کند، بنابراین برای هند بسیار شوار است که عربستان سعودی را با نزدیک‌تر شدن به ایران، رها کند (Pant, 2010: 68).

پیوند روابط هند با عربستان سعودی و سایر کشورهای حوزه خلیج فارس طی دو دهه اخیر از پیوندهای اقتصادی به امنیتی و استراتژیک تغییر یافته است. وجود تعداد زیاد نیروی کار هندی در این کشورها مخصوصاً قطر و امارات، وجود پیوندهای امنیتی با قطر و عمان و مهم‌ترین مؤلفه تأمین انرژی‌های فسیلی مورد نیاز دهلی‌نو، پیوند میان این کشورها را مستحکم تراز قبل ساخته است. برای سیاستمداران هندی شاید یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها جهت حضور در خلیج فارس تحت تأثیر قرار دادن روابط پاکستان در منطقه و تغییر در این موازنه است. پاکستان طی این چند دهه با استفاده از مؤلفه مذهب، پیوند تنگاتنگی با کشورهای حاشیه خلیج فارس و همچنین ایران داشته است که این یکی از چالش‌های مهم سیاست خارجی هند در این منطقه بوده است. مسئله دیگر اینکه، برای هند مقوله امنیت در خلیج فارس یکی از اولویت‌های اصلی سیاست خارجی این کشور است؛ چون هند در رقابت با پیوندهای اقتصادی-سیاسی چین و پاکستان، نیاز شدید به حضور در آب‌های ساحلی ایران و به تبع آن دسترسی به افغانستان و کشورهای آسیای مرکزی دارد، لذا هر عاملی که باعث اختلال در امنیت این منطقه شود باعث چالش‌های جدی برای دهلی‌نو خواهد بود.

پرونده هسته‌ای ایران

برنامه هسته‌ای ایران در سال ۲۰۰۲ میلادی و بعد از پیدا شدن دو سایت جدید هسته‌ای در نطنز و اراک توجه همگان را جلب کرد ((Jafarzadeh, 2007: 2) کوتاهی ایران در معرفی این دو سایت، شفافیت لازم را در توافق با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از بین برده بود. این کار نگرانی‌هایی از قبیل تصمیم ایران به ساخت سلاح هسته‌ای به همراه داشت. با این حال ایران مرتباً اعلام کرد که انرژی هسته‌ای رابه‌منظور مصارف غیر نظامی تولید می‌کند و نه سلاح هسته‌ای که مخالف قوانین دینی و مذهبی است. هند با آن که می‌دانست ایران حق تولید انرژی هسته‌ای برای مصارف غیر نظامی را دارد، اصرار داشت که ایران باید به تمامی شبهات آژانس «IAEA» در راستای پذیرش NPT پاسخ دهد. هند در واقع نمی‌خواست که کشور دیگری، مجهز به سلاح هسته‌ای در همسایگی خود داشته باشد، چراکه این

رابطه سیاسی جمهوری اسلامی ایران و هند؛ فرصت‌ها و چالش‌ها/ احمدی، خداوردی و کشیشیان سیرکی

موضوع توان مبارزات تسلیحاتی در منطقه را افزایش می‌داد. به همین دلیل، هند خواستار برطرف شدن مشکلات به طریق مذاکره بود تا به صورت نظامی؛ همین‌طور خواستار این بود که سازمان ملل در حل این بحران نقش اساسی داشته باشد. علاوه بر این هند نسبت به گزارش‌هایی نیز ابراز نگرانی می‌کرد که به موجب آن‌ها ایران ممکن است از عبدالقدیر خان فیزیک‌دان هسته‌ای پاکستان استفاده کرده باشد (Pant, 2010: 61-74).

هند در سپتامبر ۲۰۰۵ میلادی به قطعنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی IAEA به خاطر عدم رعایت موارد امنیتی پیمان نامه منع گسترش سلاح‌های اتمی NPT توسط ایران و سپس ارجاع مسئله ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد در فوریه ۲۰۰۶ میلادی رای داد. این آراء، باعث ناآرامی شدید در هند شد؛ اما سبب آرامش سیاست مدارانی شد که ورود هند را به مقوله بحث‌های مربوط به ایران، به علت بررسی روابط هسته‌ای آمریکا و هند در کنگره آمریکا، زیر سؤال می‌بردند (گود و موخرجی، ۱۳۹۶: ۵۸). در ۲۷ نوامبر ۲۰۰۹ میلادی در قطعنامه‌ای که آژانس از ایران درخواست توقف فعالیت‌های سایت فردو در قم را داشت هند با سیاست‌های واشینگتن همراه شد و این مهم نشانگر این بود که هند از فضای امنیتی ایجادشده در همسایگی خود نگرانی عمیق دارد. هند با رای مثبت خود در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی «IAEA» بر علیه ایران که مسئله‌ای غیرمنتظره بود، مردم هند را نیز همانند ایران متعجب ساخت. اولین رای در سال ۲۰۰۵ میلادی مبنی بر این بود که ایران را در شمار توافق کنندگان تأمین NPT قرار دهد و دومین رای در سال ۲۰۰۶، ارجاع ایران به شورای امنیت سازمان ملل «UNSC» بود (Cheema, 2010: 11؛ گود و موخرجی، ۱۳۹۶: ۱۲۹). البته هند دو مرتبه دیگر در ۲۰۰۹ میلادی و ۲۰۱۱ میلادی نیز بر علیه ایران رای داد و دلیل خود را عدم پایبندی ایران به قوانین NPT اعلام کرد.

نتیجه

ایران و هند به‌عنوان در کشور مهم و مؤثر در آسیای غربی و جنوبی جهت رابطه طرفینی و نقش آفرینی در نظام بین‌الملل و بیشینه کردن منافع خود با مؤلفه‌های متفاوتی روبرو هستند. به همین دلیل در بعضی حوزه‌ها بدلیل داشتن منافع مشترک به سمت هم‌گرایی و در مواردی بدلیل تضاد منافع دچار واگرایی شدند که نباید تأثیر نظام بین‌الملل و منافع و مضار سایر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را نادیده گرفت. واقع‌گرایان معتقدند آن چیزی که در روابط میان دولت‌ها دارای اهمیت است فهم آن‌ها از یکدیگر به‌عنوان یک تهدید است نه میزان قدرت آن‌ها؛ به همین دلیل دولت‌ها در برابر دولت‌هایی اقدام به موازنه می‌کنند که آن را تهدیدی عینی برای موجودیت و کیان خود احساس کنند. در چنین

شرایطی مجموعه‌ای از اقدامات، همکاری‌های دو یا چندجانبه و ایجاد ائتلاف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی می‌تواند راهکار برون‌رفت از این تهدیدات باشد. لذا ایران و هند هرکدام دارای مؤلفه‌های تهدید متفاوتی هستند که می‌تواند به‌طور بالقوه آن‌ها را به سمت همکاری‌های دوجانبه و یا ائتلاف‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مانند پیمان شانگهای و بریکس سوق دهد.

از دیگر سو ایران نیز مانند هند به ساختارهای نوین نظم جهانی همانند حق وتوی قدرت‌های بزرگ در شورای امنیت معترض است. هند پس از شیفت پارادایم در حوزه سیاست خارجی منتج از نهرئوئیزم که مشتمل بر سیاست عدم موازنه و حمایت از کشورهای جهان سوم و صلح‌گرائی که منجر به عدم تعهد شد، فاصله گرفته و با انتخاب نئولیبرالیسم و پذیرش هنجارهای لیبرال دموکراسی و قواعد تجارت آزاد، خود را درهم‌گرائی با ارزش‌ها و هنجارهای غربی و خصوصاً آمریکا تعریف کرده؛ و به بزرگ‌ترین متحد دموکراسی یورواتلانتیک مبدل گشته است. لذا به نظر می‌رسد که سیاست‌گذاران خارجی ایران و هند با توجه به تهدیدهای عینی و ذهنی متفاوت (چین و پاکستان با هند و تهدیدهای آمریکا و رقابت کشورهای عربی حاشیه جنوبی خلیج فارس با ایران؛ و در سطح بین‌الملل ائتلاف هند با آمریکا و تخصم موجود میان ایران و آمریکا)، نتوانند مؤلفه‌های عینی مشترکی برای توسعه روابط به سطح راهبردی و استراتژیک بیابند. به همین دلیل گاه‌ها منافع کوتاه‌مدت در این رابطه مد نظر قرار می‌گیرد، اما سطح انتظارات دو کشور براساس سابقه و پیشینه روابط، بلندمدت است. برای یافتن چرایی این موضوع به تحلیل درک سیاست‌مداران خارجی دو کشور از یکدیگر می‌پردازیم.

هند از منظر جمهوری اسلامی ایران:

۱- استقلال نسبی هند در سیاست خارجی، سابقه حمایت از کشورهای جهان سوم و حمایت نسبی حزب کنگره هند از این آرمان‌ها و حضور هند به‌عنوان عضو تشکیل‌دهنده جنبش عدم تعهد، امید به ادامه این روند را نزد سیاست‌گذاران خارجی ایران زنده نگه می‌دارد.

۲- هند به دلیل قرار گرفتن در حوزه تمدن‌های شرقی و داشتن مؤلفه‌های فرهنگی-تمدنی، روابط چند هزارساله، می‌تواند تأمین‌کننده منافع مشترکی برای برقراری روابط متوازن و راهبردی باشد.

۳- هند به‌عنوان یکی از اعضاء موثر پیمان شانگهای به همراه روسیه و چین می‌تواند در ادامه نگاه تجدیدنظر طلبانه به وضع موجود ساختارها و نظام بین‌المللی، تأمین‌کننده منافع ملی جمهوری اسلامی ایران باشند.

۴- وجود جمعیت قابل توجه مسلمانان و شیعیان هند، می‌تواند مؤلفه‌ای مؤثر و راهبردی، در رابطه بین ایران و هند باشد.

رابطه سیاسی جمهوری اسلامی ایران و هند؛ فرصت‌ها و چالش‌ها/ احمدی، خداوردی و کشیشیان سیرکی

جمهوری اسلامی ایران از منظر هند:

۱- موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ایران به‌عنوان یک کشور مهم و قدرت منطقه‌ای، قدرت مانور هند را در رقابت با چین و پاکستان افزایش می‌دهد.

۲- ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای و امنیت‌سازمی تواند یاری‌گر هند جهت حضور در افغانستان پس‌جمهوریت و کنترل اسلام‌گرایان افراطی باشد و در امنیت ملی هند نقش‌آفرینی کند.

۳- ایران به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان سوخت‌های فسیلی می‌تواند در توسعه اقتصادی هند نقشی مؤثر و غیرقابل‌انکار داشته باشد.

۴- دسترسی به بنادر جنوبی ایران تنها راه امن و با ثبات هند جهت دسترسی به بازارهای آسیای مرکزی، افغانستان و اروپای شرقی است. لذا ایجاد کریدور جدید ریلی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس که کویت را به عمان و از مسیردریائی به هند متصل می‌کند، نمی‌تواند از اهمیت استراتژیک ایران بکاهد.

در نتیجه نگاه ایران به هند غالباً بر مؤلفه‌های اسلام سیاسی، امنیتی و تمدنی استوار است که طی دو دهه اخیر به دلیل تحریم‌های آمریکا و غرب کمتر مؤلفه‌های اقتصادی بر آن تأثیرگذار بوده است؛ اما هند بدلیل تغییر پارادایم به نتولیبرالیسم و نقش پررنگ مؤلفه‌های اقتصادی و سیاسی، تمرکز خود را بر دیپلماسی انرژی و کریدورهای ترانزیتی متمرکز است. هند در مناسبات جدید خود با غرب و آمریکا از در تعامل و هم‌گرایی برآمده؛ لذا در روابط ایران و هند تأثیر آمریکا آشکار است. پروژه خط لوله صلح بین ایران، پاکستان و هند، پروژه بندر چابهار، رای سال ۲۰۰۵ میلادی و ۲۰۰۶ میلادی هند در محکومیت ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، عدم خرید نفت از ایران و بسیار شاخصه‌های دیگر که روابط دو کشور را به پایین‌ترین سطح رسانده؛ نشان از این دارد که علیرغم عضویت مشترک هند و ایران در پیمان‌های منطقه‌ای مهمی همچون شانگهای که می‌تواند باعث هم‌گرایی و توسعه همکاری گردد اما متأسفانه هند در هم‌گرایی با غرب، آمریکا و اسرائیل و همچنین مناسبات حسنه با کشورهای جنوبی حوزه خلیج فارس و بهانه پرونده هسته‌ای ایران، به معارضة و نه تقابل با ایران برخاسته است؛ اما در این رابطه فرصت‌هایی هم‌چون امنیت منطقه‌ای، دسترسی به افغانستان و آسیای مرکزی و مبارزه با اسلام‌گرایان افراطی بین ایران و هند وجود دارد. به همین دلیل دو کشور در حال حاضر منافع کوتاه‌مدت را در همکاری با یکدیگر برگزیده‌اند، اما با عنایت به پیشینه سترگ روابط فرهنگی-تمدنی انتظاراتی بلندمدت از یکدیگر دارند.

منابع

- (۱) آشنا، حسام الدینو جعفری هفت خوانی، نادر. (۱۳۸۶). «دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی؛ پیوندها و اهداف»، دانش سیاسی، ۵، ۱۷۹-۲۰۵.
- (۲) احمدی فشارکی، حسنعلی. (۱۳۹۰). «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و هند: حوزه‌های تعامل و تقابل»، فصلنامه مطالعات جهان، ۱(۲)، ۱۴۹-۱۸۲.
- (۳) امساک، حمیدرضا. (۱۳۹۳). «روابط فرهنگی ایران و هند از دیرباز تاکنون»، مجموعه مقالات نهمین همایش بین‌المللی انجمن ترویج زبان فارسی، ۶۷۹-۷۰۴.
- (۴) باربر، جیمز و اسمیت، مایکل. (۱۳۸۱). «ماهیت سیاست‌گذاری خارجی در دنیای وابستگی متقابل کشورها»، تهران: قومس.
- (۵) باقری دولت‌آبادی، علی و حنایی، جعفر. (۱۳۹۸) «اندیشه‌های فردوسی و نظریه‌های روابط بین‌الملل واقع‌گرایی یا آرمان‌گرایی؟»، فصلنامه پژوهش‌های ایرانی سیاست بین‌الملل، ۷(۲)، ۳۶-۱.
- (۶) بیگدلی، محمدرضا؛ دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و برزگر، کیهان. (۱۴۰۲) «مقایسه رویکرد سه نسل پارادایم واقع‌گرایی نسبت به نظام بین‌الملل»، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱۳(۴۸)، ۲۰-۱۶۵.
- (۷) توحیدی، ام‌البنین. (۱۳۸۷). «ظرفیت‌ها و محدودیت‌های روابط ایران و هند»، فصلنامه راهبرد، ۴۷، ۱۵۵-۱۷۴.
- (۸) ثقفی عامری، ناصر. (۱۳۸۷). «روابط هندوستان و اسرائیل نگاهی بر جنبه‌های راهبردی»، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- (۹) ثقفی عامری، ناصر. (۱۳۸۳). «اجلاس وزرای خارجه کشورهای عضو کنفرانس تعامل و اعتمادسازی در آسیا»، گاهنامه تحلیلی سیاست خارجی ایران و نظام بین‌الملل معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی مرکز تحقیقات استراتژیک، شماره ۱۲۱.
- (۱۰) حاجی یوسفی، امیرمحمد و نارویی، هادی. (۱۴۰۰). «ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و چشم‌انداز همکاری‌های ایران و هند در چابهار»، فصلنامه ژئوپلیتیک، ۱۷(۳)، ۸۷-۶۱.
- (۱۱) دهش، آرزو و شوهانی، احمد. (۱۴۰۲). «ملت‌سازی در اقلیم کردستان عراق در چارچوب واقع‌گرایی»، مطالعات سیاسی بین‌النهرین، ۲(۱)، ۱۲۷-۱۰۵. Doi: 10.22126/MPS.2023.8637.1015
- (۱۲) رسولی ثانی آباد، الهام. (۱۳۹۱). «بررسی نظام هویتی جمهوری اسلامی از منظر سازه‌نگاری»، فصلنامه علوم سیاسی، ۱۵(۵۸)، ۱۷۷-۲۰۰.

رابطه سیاسی جمهوری اسلامی ایران و هند: فرصت‌ها و چالش‌ها/ احمدی، خداوردی و کشیشیان سیرکی

- ۱۳) ستوده آرنی، محمد. (۱۳۸۱). «رابطه ساختار-کارگزار: چارچوبی برای مطالعه تحول سیاست خارجی ایران»، فصلنامه سیاست خارجی، ۱۶(۱)، ۱-۳۲.
- ۱۴) سیمبر، رضا و قربانی شیخ‌نشین، ارسلان. (۱۳۹۰). «عناصر و روندهای مؤثر بر نظام بین‌الملل»، فصلنامه پژوهش سیاست نظری، ۹(۶)، ۱۲۶-۱۰۳.
- ۱۵) فرزین نیا، زیبا. (۱۳۸۸). «مثلث آسیائی، چین، هندو پاکستان»، تهران: انتشارات وزارت خارجه.
- ۱۶) کتابی، محمود و دهقان، یدالله و کاظمی، مهدی. (۱۳۹۲). «بررسی روابط استراتژیک هند با اسرائیل و تاثیر آن بر جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، ۱-۱۵، ۱۷.
- ۱۷) کوثری، راج کومار و خان، ایاسین. (۱۳۹۹). «هند قدرتی جهانی در قرن بیست و یکم»، ترجمه محمدرضا دهشیری و آمنه سماک نژاد، تهران: علم.
- ۱۸) کسینجر، هنری (۱۳۹۵). «نظم جهانی: تاملاتی در باب ویژگی ملت‌ها در گذار تاریخ»، ترجمه سنجر سهیل، کابل: عازم.
- ۱۹) گود، آرسیدا و موخرجی، منیسا. (۱۳۹۶). «روابط معاصر ایران و هند»، ترجمه سید حسین رئیس‌السادات، مشهد: پاپلی.
- ۲۰) محمد زاده ابراهیمی، فرزاد؛ ملکی، محمدرضا و وثوقی، سعید. (۱۳۹۶). «دونالد ترامپ و میراث سیاست واقع‌گرایانه اوپاما در خاورمیانه»، فصلنامه سیاست جهانی، ۲(۶)، ۱۵۲-۱۲۳.
- ۲۱) محمدی، منوچهر. (۱۳۷۷). «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران اصول و مسائل»، تهران: دادگستر.
- ۲۲) نیاکوئی، امیر و بهرامی مقدم، سجاد. (۱۳۹۳). «روابط ایران و هند: فرصت‌ها و محدودیت‌ها»، فصلنامه روابط خارجی، شماره ۱۲۳، ۱-۱۶۰.
- ۲۳) هالستی، کالوی یاکو. (۱۳۹۹). «مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل»، ترجمه بهرام مستقیم‌ی و مسعود طارم سری، تهران: نشر وزارت خارجه.
- 24) Ahmed, Z. Sh; Akbarzadeh, Sh. (2018). "Understanding Pakistan's Relationship with Iran". Middle East Policy, 25(4), 86-100.
- 25) Cheema, Sujatha Ashwarya. (2010). "India – Iran Prospect", India Quarterly, 66(4).
- 26) Jafarzadeh, Alireza. (2007). "The Iran Treat: President Ahmadinejad and The Coming Nuclear Crisis", New York: Palgrave Mac Millan.
- 27) Hafeez, Mahwish. (2019). "India-Iran Relation: Challenges and Opportunities", Institute of Statigist Studies Islamabad, 39(3), 22-36.

- 28) Katz, Nathan. (2013). “Buddhist-Jewish RelatiThe Wiley-BlackwellCompanion” to Inter-Religious Dialogue, 394-409.
- 29) Kaya, Z. N. (2020). “Mapping Kurdistan: Territory, Self-Determination and Nationalism”, Cambridge University Press.
- 30) Pant, Harsh. (2010).” India's Relations with Iran: Much Ado about Nothing”, Washington Quarterly, 34, (1), 61_74.
- 31) Rahman,Khalid, (2010).”Indian – Iran Relation and Current Reginal Dynamic”, Policy Perspective,7(2),27-49.
- 32) Rajiv, C. Samuel. (2012). “The Delicated Balance: Israel and India’s Forigen Policy Practice”, Strategic Analysis, 36(1), 128 – 144.
- 33) Yavuz, M. H. Ozcan, N. A. (2016). “The Kurdish Question and Turkey’s Justice and Development Party”, Middle East Policy, 19, 109-121.

یادداشت‌ها:

-
- 1 Bharatiya Janata Party
2 Realism
3 Waltz,Kenneth

Political relations between the Islamic Republic of Iran and India; opportunities and challenges

Seyed javad Ahmadi¹

Hassan khodaverdi²

Garineh Keshishyan Siraki³

Abstract

Relations between Iran and India, as two important countries in West and South Asia, have had many ups and downs after the Iranian Islamic Revolution, and factors such as the internal policies of both countries and the influence of the international system have played a role in this sinusoidal relationship. In this research, by using available library works and resources in a descriptive-explanatory method, we try to find the answer to the question, what is the understanding of foreign policy agents of Iran and India about each other? What opportunities and challenges are there for this relationship? The results show that after Iran joined the non-alignment movement, there was a lot of hope for the improvement of relations between Iran and India. Due to reasons such as Iran's support for Pakistan's position in the Kashmir issue and India's Eastern Bloc's support for Iraq in the imposed war against Iran, it didn't happen. But after the end of the Cold War and the paradigm shift of India's foreign policy from idealism to realism, the change in domestic politics, the marginalization of the National Congress Party, the victory of the Bharatiya Janata Party (BJP), the closeness to the West and the support of American positions, the relations turned cold. The result is that Iran and India have opportunities for regional, strategic and defense integration and to fight against terrorism and challenges such as the influence of America, Israel and India's Middle East policies and most importantly Iran's nuclear program, which can be effective in changing relations. This research from the perspective of theory Realism has analyzed this relationship.

Keywords

Political relations, diplomacy, political security relations, realism, foreign policy, international relations.

1. Ph.D. Candidate, Department of Political Science, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Ahmadisabat@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Political Science, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding author) h_khodaverdi@azad.ac.ir

3. Associate Professor, Department of Political Science, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. G_keshishyan@azad.ac.ir